

سندی درباره تاریخ تهران

در میان انبوه اسناد خانوادگی آقای حسنعلی غفاری (معاون-الدوله) که بخشی از آنرا معظم له به ارتش شاهنشاهی اهداء کرده اند و اینک در آرشیو تاریخی کمیته تاریخ نظامی دبیرخانه ستاد بزرگ ارتشتاران موجود است، مصالحه نامه‌ای است بتاریخ سوم ربیع الاول سنه ۱۲۵۹ قمری (در زمان پادشاهی محمدشاه قاجار) که بموجب آن منوچهر خان معتمدالدوله یک رشته قنات موسوم به گل - افشان را به محمد حسن خان سردار ایروانی^۱ صلح نموده است. سند مزبور بر روی طوماری بدرازی ۶۴ سانتی متر و به پهنای ۲۸ سانتی متر با خط نستعلیق

”بسم“

سر سید علی نقی قزوینی مخترع

و کتدر تاریخ

۱- درباره منوچهرخان معتمدالدوله گرجی و محمدحسن خان سردار ایروانی که هر دو از رجال زمان فتحعلیشاه و محمدشاه بوده اند به کتابهای تاریخی دوره قاجاریه مانند ناسخ التواریخ و روضة الصفا ناصری و منتظم ناصری رجوع کنید.

و مرکب سیاه در ۱۸ سطر نوشته شده و در برخی مواضع کلمات و عباراتی را به مناسباتی با سرخی نوشته اند (ر. ک به عکس شماره ۱) این سند از نظر تاریخ متضمن نکاتی چند و مهم است و ما مقاله حاضر را بمعرفی آن نکات اختصاص میدهیم ولی پیش از بیان نکات مزبور لازم است متن سند را نقل نمائیم^۲:

بسم الله رب الارض والسماء

ورکن العظماء الفخام موتمن السلطان معتمد الدوله العلیه العالیه مؤوچهر خان دامت شو کته و اجلاله
عمده الامراء العظام مقرب الحضرت النفاقان محمد حسن خان
سردار کثیر الاقتدار ایروانی دام عزته و اقباله

وقع وقفها کما رقم فی ۱۵ شهر
ربیع الاول ۱۲۵۹
و صح وقفها کما رقم فی ۱۵
ربیع الاول ۱۲۵۹
سید ابو القاسم بن محسن محمد الحسینی الحسینی
محمد مهدی بن مرتضی الحسینی الحسینی

[۱] و اما بعد غرض از تحریر این کلمات شرعیة
الدلالات و اوضحة البینات و خلاصة از مفاد کتاب صواب و
خطاب مستطاب شرعی المبدء و المآب [۲] که مرقوم قلم
صدف رقم و مسطور مدار خامه عنبرین شیم میگردد
آنست که سرکار نواب کامیاب مستطاب گردون قباب
امیر الامراء العظام الفخام [۳] بالطوع و الرغبة و الاختیار
مع کمال طیب النفس مصالحة شرعیه و معاقده صحیحه
لازمه جازمه ملیه دینیة اسلامیة نمودند بعالیجاه شوکت
و جلالت همراه [۴] اهمیت و مناعت و فخامت اکتناه
مجدت و نجدت پناه همگی و تمامی یکرشته قنات مسماة
بگل انشان ملکی متصرفی سرکار [۵] که واقعه است در
بالای قصر قاجاریه و در جنب جاده شمیران حومه شمالیه
دار الخلافه طهران حفت بالا من و الامان با کافه ملحقاتها
الشرعیه و منضمااتها [۶] الاسلامیه الاصطلاحیه و العرفیه

۲- اصل این سند در تصرف خود آقای معاون الدوله باقی مانده است.

و بجدیده و القدیمة و الحومه بتصدیق اهل الخبره ازپشته
 و میفچه با آنچه متعلق است بقناة موسومه [۷] مرقومه
 بهر جهة از جهات شرعیه و بهر علت از علل اسلامیه بدون
 وضع و اخراج و استثناء چیزی از قنای مزبوره ذکر ام لم
 [۸] یذکر و سمی ام لم یسم و وصف ام لم یوصف عالماً
 عامداً عارفاً بالکمیتة و کیفیه که محدوده است
 بحدود اربعة مفصله مشخصه ذیل کتاب: [۹] شرقیاً
 برودخانه قصر قجر، غربیاً برودخانه عباس آباد، جنوبیاً
 بزمین قصر قجر شمالیاً بارغوانیه و زر کننده و قلو حک
 [۱۰] که سمت شمالیة قنای موصوفه دوازک و دورشته
 است که یکی بطرف قریة زر کننده و دیگری بطرف
 قلو حک میرود الخ [۱۱] بمال المصالحه معین القدر و
 المقدار مبلغ یکصد دینار و جه سیاه سه عدد یکصد
 دینار و مقدار مبرهن [۱۲] یکمن بوزن شاه گندم
 و صیفه مصالحه صریحه شرعیة لازمه جازمه ملیه دینیه
 اسلامیة مشتمله علی الشرايط و الارکان حالیه [۱۳]
 عن المفاسد و البطلان بالفارسیه و العربیه شامله علی الایجاب
 و القبول علی بنهج شریعت الرسول سمت وقوع و حصول
 یافته [۱۴] و اسقاط جمیع خسارات شرعیه و عرفیه از جانب
 نواب کامیاب مصالح دام شو کته و اجلاله بای نحو کان
 گردیده و تخلیه یده الکانه [۱۵] محقانه از سرکار
 خودشان نمودند و بتصرف شرعی سرکار شوکت اقتدار
 مصالح له دام عزته و اقباله در آمده. بناء علی هذا در کل
 [۱۶] قنای موسومه بکل افشان است از قرار حدود اربعة
 فوق از برای سرکار عظمت مدار مصالح له است انحاء

تصرفات مالکانه [۱۷] محققانه کیف شاء و حیث اراد
کتصرف الملاك في املاكهم وذوى الحقوق في حقوقهم
الصلوة والسلام على من ختم به (۱۸) الرساله وعلى عتره
الطاهرو كان ذلك بتاريخ سيم شهر ربيع المولود من
شهر سنه ۱۲۵۹

محل مهر منو چهر خان

در حاشیه : هوالمستعان . بنده در گاه خلاق
بندگان. مهر طاهر قزوینی بر مضمون متن مطلع .
سجع مهر: لا اله الا الله الملك الحق المبين
محمد طاهر

و اما آنچه از مندرجات این مصالحه نامه مستفاد میشود:

الف - نکات جغرافیائی

۱ - از قنات‌هایی که در یکصد و سی سال پیش در ناحیه شمالی تهران قدیم وجود داشته است قناتی بنام گل افشان بوده و این قنات محدوده‌ای واقع بین ارغوانیه و زرکنده در شمال، مسیل امروزی قصر (مهران - حشمتیه) در شرق، و مسیل عباس آباد (غرب دانشگاه نظامی و اداره موتورری ارتش امروز) در مغرب و خیابان تخت طاووس امروزی در جنوب را مشروب مینموده است.

این قنات کمی بالاتر از زرکنده بدوشعبه تقسیم میشده که یک رشته به قلعه و قصر قاجار ورشته دیگر به طرف زرکنده و عباس آباد میرفته است و احتمالاً این رشته اخیر همان قناتی است که بعدها بنام قنات عباس آباد خوانده شده و هنوز مختصری از آب آن به محوطه دانشگاه نظامی و اداره موتورری میرسد.

۲- بموجب ضبط این سند نام صحیح و قدیمی شهر امروزی قلهک که در آنروزها آبادی و دهکده‌ای بیش نبوده «قلو حک»^۳ بضم قاف و لام و رسم الخط آنهم باحاء بوده است که بمرور زمان لام مضموم بصورت ساکن درآمده ولی معلوم نیست چراواز کی، حاء نیز به‌ه‌اء تبدیل شده است همینقدر بموجب سند دیگری (سند شماره ۲) که اصل آن متعلق به کتابخانه شخصی تیمسار ارتشبد فریدون جم ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران می‌باشد و معظم له باسعه صدری خاص خود آن را در اختیار مجله بررسی‌های تاریخی قرار داده‌اند میدانیم در سال ۱۳۳۱ قمری این تغییر پدید آمده بوده است.

ب - روش قباله نویسی

نکنه دیگری که در این سند بچشم می‌خورد نحوه ثبت نام‌های مصالح و مصالح له می‌باشد که در بالای سند و بعد از تحمیدیه نوشته شده و در متن سند نام آنها دیگر ذکر نگردیده است.

این رسم از دیرباز در نوشتن اسناد مالی معمول بوده شاردن نیز در سیاحتنامه خود در شرح اسناد مالی دوره صفوی بدان چنین اشاره میکند:

«در صدر سندنم و عنوان که همیشه اسم خاص پدر است [مثلاً حسین بن عبدالله] درج میشود و در ذیل نقش خاتم ثبت میگردد و چنانکه گفته‌ام با گواهی گواهان که آنها نیز مهر میزنند، مراسم پایان می‌یابد. اسنادبازرگانی نیز بطریق مذکور تدوین می‌گردد و اگر چه تقریباً در هر موقعی، اسنادی که در محضر قاضی تحریر نیافته، فاقد اعتبار می‌باشد، مع هذا در محاکم عرفی واجد ارزش است»^۴

۳- سطرهای ۹ و ۱۰

۴- سطر دوم

۵- سیاحتنامه شاردن ترجمه محمد عباسی جلد چهارم صفحه ۳۷۴

ولی بطوریکه از این سند برمی‌آید در دوره قاجاریه و شاید هم از مدتی بیشتر، در این روش تغییری حاصل شده بوده باین معنی که می‌بینیم در سند مورد بحث و همچنین در سندی دیگر^۶ که عکس آن در اینجا به چاپ میرسد (شکل ۳)، فقط بنوشتن نام مصالح و مصالح‌له^۷ کتفا گردیده و از نام پدران آنها ذکری نیست بعلاوه بموجب اسناد دیگری از همین دوره که در دست داریم، باید افزود که این قاعده اگر هم در دوره صفوی عمومیت داشته در دوره قاجاریه در همه حالات، معمول نبوده است بلکه اینکار جنبه احترامی داشته و نام کسانی را در صدر اسناد مینوشته‌اند که از بزرگان و اعیان می‌بوده‌اند. چنانکه در سند دیگری که آن نیز در همان محضری نوشته شده است که قبالة قنائة گل افشان در آنجا تنظیم گردیده، مشاهده میکنیم این رسم رعایت نشده است^۷ (شکل ۴)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶- این سند متعلق به نگارنده مقاله میباشد.

۷- این سند نیز جزو اسناد و مدارکیست که آقای غفاری به کمیته تاریخ نظامی اهداء فرموده‌اند.



ژړوېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سہ آرامگاہ

برجی

از دوران سلجوقی

نوشتہ : استروناخ ویانگ

پرویشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمہ :

مجید و ہرام